

نقش هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در پیش‌بینی رضایت از زندگی و  
باور به جهان عادل

The Roles of Moral Intelligence, Empathy, and Prosocial Tendencies  
in Predicting Satisfaction with Life and Belief in a Just World

تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

Sh. Vejdani, N. Nouri

شهریار وجدانی<sup>۱</sup>، نسیم نوری<sup>۲\*</sup>

Abstract

**Aim:** The present study aimed to determine the roles of moral intelligence, empathy, and prosocial tendencies in predicting satisfaction with life and belief in a just world in participants in charitable programs in Tehran. **Method:** The study was descriptive and correlational and selected 240 male and female participants in charitable programs in Tehran using a convenience sampling method. The participants responded to the Moral Intelligence Questionnaire by Lenik and Kiel (2008), the Empathy Scale by Jolliffe and Farrington (2006), the Prosocial Tendencies Measure by Carlo, Hausmann, Christiansen, and Randall (2003), Belief in a Just World Scale by Adel Sutton and Douglas (2005), and the Satisfaction with Life Scale by Endicott (1993). We analyzed data using correlation coefficient and Multiple Regression. **Results:** The correlation results indicated that there were significant relationships between belief in a just world and satisfaction with life with moral intelligence, empathy, and prosocial tendencies. Furthermore, there were significant relationships between belief in a just world and moral intelligence dimensions

چکیده

**هدف:** هدف پژوهش تعیین نقش هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در پیش‌بینی رضایت از زندگی و باور به جهان عادل در مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های مؤسسات خیریه شهر تهران بود. **روش:** این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و از بین شرکت‌کنندگان زن و مرد فعال در برنامه‌های مؤسسات خیریه شهر تهران ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های هوش اخلاقی لنیک و کیل (۲۰۰۸)، همدلی جولیفی و فارینگتون (۲۰۰۶)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی کارلو، هاوسمان، کریستیانسن و راندال (۲۰۰۳)، باور به جهان عادل ساتون و داگلاس (۲۰۰۵) و رضایت از زندگی اندیکت (۱۹۹۳) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج همبستگی نشان داد که بین باور به جهان عادل و رضایت از زندگی با هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین باور به جهان عادل با ابعاد هوش

مقاله حاضر اقتباس از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲\*</sup> نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شیوه‌استناد به این مقاله: وجدانی، شهریار؛ نوری، نسیم. (۱۳۹۸). بررسی نقش هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در

پیش‌بینی رضایت از زندگی و باور به جهان عادل. فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی، (۱)، ۴۶-۳۱

(responsibility, compassion, and forgiveness) and dimensions of prosocial tendencies. Furthermore, there were significant relationships between belief in a just world with empathy dimensions, and also between satisfaction with life and moral intelligence dimensions (honesty, responsibility, compassion, and forgiveness), and dimensions of prosocial tendencies and empathy (emotional and cognitive dimensions). Furthermore, moral intelligence, empathy, and prosocial tendencies could predict belief in a just world and satisfaction with life in participants in charitable programs. **Conclusion:** Fair behaviors, empathy, acceptance of others, and rights and responsibilities were the prominent characteristics of people with high moral intelligence and empathy and all the characteristics caused a sense of inner satisfaction in them and ultimately the satisfaction with life.

**Keywords:** *Belief in the just world, Desired social orientations, Ethical intelligence*

اخلاقی (بعد مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش های مطلوب اجتماعی رابطه معناداری به دست آمد؛ ولی بین باور به جهان عادل با ابعاد همدلی و بین رضایت از زندگی و ابعاد هوش اخلاقی (بعد درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش های مطلوب اجتماعی و ابعاد همدلی (بعد عاطفی-هیجانی و بعد شناختی) رابطه معناداری به دست آمد. همچنین هوش اخلاقی، همدلی و گرایش های مطلوب اجتماعی توانستند باور به جهان عادل و رضایت از زندگی را در شرکت کنندگان در برنامه موسسات خیریه پیش بینی کنند. **نتیجه گیری:** انجام رفتارهای منصفانه، همدلی، پذیرش دیگران و حقوق و مسئولیت ها از ویژگی های بارز افراد با هوش اخلاقی بالا و همدل است که مجموع این ویژگی ها موجب احساس رضایت درونی در فرد و در نهایت رضایت از زندگی می شود.

**کلیدواژه ها:** باور به جهان عادل، گرایش های مطلوب اجتماعی، هوش اخلاقی

## مقدمه

بهر روزی و خوشبختی متاعی است که همواره انسان ها به دنبال آن هستند و هر کسی تعبیر خویش را از آن دارد؛ اما روانشناسان اجتماعی ثابت کرده اند، معنای مشترکی برای خوشبختی در میان مردم نیست، بلکه همه حس خوشایند رضایت از شرایط را خوشبختی می نامند (سجودی، معصومی راد، آوردیده و عبدی، ۱۳۹۴)؛ از این رو، جهت دستیابی به سلامت عمومی افراد جامعه و رهایی از برخی معضلات جامعه و تنش های اجتماعی باید به نشاط، امید و خوش بینی به عنوان متغیرهای تعیین کننده بر میزان رضایت از زندگی افراد جامعه تأکید کرد (عرب زاده، نعیمی و پیرساقی، ۱۳۹۶)؛ رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می کند و در واقع همان احساس خشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه چندان کوتاه سپری می نماید (سجودی و همکاران، ۱۳۹۴).

افزون بر آن، رضایت زندگی برای یک زندگی مفید، مؤثر و رضایت بخش فردی ضروری است و شامل ارزیابی شناختی افراد از وضعیت زندگی خودشان است (کیبیز و شاپیرو، ۲۰۰۴). در واقع،

رضایت از زندگی مفهومی کلی و ناشی از نحوه ادراک (شناختی و عاطفی) شخص از کل زندگی است؛ به همین دلیل، افرادی با رضایت از زندگی بالا هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه کرده، از گذشته و آینده خود و دیگران، رویدادهای مثبت بیشتری را به یاد آورده و از پیرامون خودارزیابی مثبت‌تری دارند و آن‌ها را خوشایند توصیف می‌کنند (تایم، ۲۰۱۰). رایت و کروپانزانو (۲۰۰۷) عوامل متعددی را در افزایش رضایت افراد از زندگی مطرح کرده‌اند. این عوامل را می‌توان در دو دسته عوامل زیستی (نظیر آمادگی ژنتیکی و سلامت جسمانی) و عوامل اجتماعی - روانی (نظیر گرایش‌های اجتماعی مطلوب و نیازهای روانی) طبقه‌بندی کرد. یکی از عوامل مرتبط با رضایت زندگی، باور به دنیای عادلانه است که شامل باورهای منطقی و غیرمنطقی می‌شود؛ باورهای انسان، از جمله باور به دنیای عادلانه تحت تأثیر فرهنگ است. باور به عادلانه بودن دنیا، نقش مهم و تأثیرگذار بر چگونگی رویارویی فرد با مشکلات و سلامت روان آنان دارد؛ به ویژه در سنین جوانی به دلیل تکالیف رشدی که جوانان با آن رو به رو می‌شوند (مثل پیدا کردن شغل، طراحی برای آینده، شناخت اجبارها و فشارها و تشکیل خانه و خانواده‌ای مستقل)، برای مقابله با این فشارها به منابع روان‌شناختی نیازمندند برخی بر این باورند که باور به یک دنیای عادلانه به طور مثبت، همبسته با توانایی رویارویی با تکالیفی است که سلامت روانی را تقویت می‌کند (گل پرور، برازنده و جوادیان، ۱۳۹۲).

مروری بر پیشینه خارجی و داخلی موضوع تحقیق نشان می‌دهد که مطلوبیت اجتماعی یکی از متغیرهایی است که بر رضایت از زندگی افراد تأثیر بسزایی دارد و می‌تواند نقش عمده‌ای را بر سلامت روانی فرد داشته باشد؛ زیرا که اعمال و افکارش تحت تأثیر حضور دیگران قرار می‌گیرد (پریلی و گرمیگنی، ۲۰۱۶). همچنین مطالعات نشان داده است، افراد با مطلوبیت اجتماعی بالا از نوع هشیارانه به دلیل استفاده از مکانیسم‌های مقابله‌ای مناسب کمتر مستعد مشکلات مرتبط با استرس هستند (کری، توگرسن و تستا، ۲۰۱۹). علاوه بر این انتظار می‌رود که این قبیل رفتارها از رابطه منفی یا نبود رابطه با گرایش‌های فردی دگر-محور (مانند همدلی) برخوردار باشند (باتسون، احمد و تی‌سانگ، ۲۰۰۲) رفتار نوع‌دوستانه به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های گرایش مطلوب اجتماعی، رفتار داوطلبانه و هدفمندی است که بدون توجه به انگیزه‌ها و پاداش‌های بیرونی در جهت منافع و رفاه دیگران انجام می‌شود (نکویی مقدم، امیریوسفی، قربانی بهابادی و امیرایماعتی، ۱۳۹۲). در پژوهش کارولی و ساگونه (۲۰۱۴) افرادی که سطح بالاتری از باور به جهان عادل داشتند، تمایل بیشتری به گرایش‌های مطلوب اجتماعی نشان دادند و احساس رضایتمندی بیشتری می‌کردند. همچنین در پژوهش بیگیو (۲۰۱۴) بین باور به جهان عادل برای خود و گرایش مطلوب اجتماعی رابطه معنادار گزارش شد.

انگیزه چنین گرایش اجتماعی نسبت به جامعه را می‌توان در سطوح نیازهای فردی و اجتماعی افراد جستجو کرد. خود را به‌جای دیگران گذاشتن یا همان همدلی یکی از جمله عوامل فردی است

که با رفتارها و گرایش‌های مطلوب اجتماعی مرتبط است؛ لذا انتظار می‌رود که انسان‌های همدل گرایش بیشتری به بخشندگی داشته باشند. باتسون در قالب نظریه همدلی که عمدتاً معطوف به تبیین ویژگی‌های مردمان نوع‌دوست است، نوع‌دوستی را برحسب توانایی و میزان همدلی تبیین می‌کند و معتقد است که افرادی که در مواجهه با وضعیت اضطراری قادر باشند خود را به‌جای قربانی یا فرد نیازمند بگذارند، محتمل‌تر است که اقدام به رفتار نوع‌دوستانه و مطلوب اجتماعی نمایند (احمدی، ۱۳۸۸).

نظریه‌پردازان دلایل متعددی را برای بروز یا عدم بروز این رفتار ذکر کرده و به تبیین‌های مختلفی در این زمینه پرداخته‌اند. درواقع از انگیزه‌های مختلفی برای بروز این رفتار نام برده شده است، از جمله انگیزه‌های شخصی کسب پاداش درونی، تأیید و تحسین اجتماعی، هوش اخلاقی، همدلی و... علاوه بر این، فراهم بودن برخی شرایط ضمن برطرف ساختن موانع به بروز رفتار یاری‌گرانه کمک خواهد کرد (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۲). بروز گرایش مطلوب اجتماعی در زندگی روزمره در تضاد شدید با نظریه‌هایی از رفتار انسان است که بر اساس انگیزه‌های خودخواهانه، لذت‌طلبانه و انتخاب منطقی می‌باشند. این نظریه‌ها در تبیین اینکه چرا افراد چیزی را به‌منظور حمایت از اشخاص نیازمند ایثار می‌کنند، مشکل دارند و این مشکل را با توضیح متضاد خودخواهی به خاطر خودخواهی خاتمه می‌دهند (سیلوا، پینتو، آبرئو، کوراس و کالچادا، ۲۰۱۷). دینر و چان (۲۰۱۱) اظهار کرده که یکی از ضوابط اخلاقی جهان‌شمول هنجار رابطه متقابل است: به آن‌هایی که به ما کمک و همدلی کرده‌اند، باید کمک و همدلی کنیم. این هنجار زمانی به مؤثرترین شیوه عمل می‌کند که افراد در افکار عمومی به اعمالی که قبلاً در مورد آن‌ها انجام شده، پاسخ می‌دهند؛ اما حتی زمانی که افراد به صورتی گمنام و ناشناس پاسخ می‌دهند، گاهی اوقات به‌درستی وظیفه خود را انجام می‌دهند و کار خوبی را که در حق آن‌ها انجام شده جبران می‌کنند؛ از این رو، منطقی به نظر می‌رسد که افراد در نظام باوری خود، انتظار مشاهده ثمره گرایش‌های خود را چه در سطح فردی و چه اجتماعی داشته و این رفتارها را بر اساس آن شکل دهند. این باورها و فرآیندهای ذهنی رابطه مستقیمی با هوش دارند. از میان انواع تقسیم‌بندی‌های هوش در نظریات گوناگون، هوش اخلاقی پیوند بالایی با مفاهیمی چون نوع‌دوستی، همدلی، مسئولیت‌پذیری<sup>۱</sup>، درستکاری<sup>۲</sup> و بخشش<sup>۳</sup> دارد (لنیک و کیل، ۲۰۰۸).

هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که انسان به‌صورت ذاتی اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شود، بلکه یاد می‌گیرد که چگونه خوب باشد. یادگیری برای خوب بودن، شامل ارتباطها، بازخورد،

- 
1. responsibility
  2. integrity
  3. forgiveness

جامعه‌پذیری و آموزش است و هرگز پایان‌پذیر نیست (لنیک و کیل، ۲۰۱۱). لنیک و کیل (۲۰۰۸) هوش اخلاقی را به‌عنوان توانایی کاربرد اصول اخلاق جهانی در اخلاقیات، اهداف و مراودات یک فرد از روی قاعده تعریف می‌کنند. یک برداشت از این تعریف، آن است که اخلاقیات به‌عنوان یک اولویت است، بدین معنا که افراد تمایل به فعالیت درست، با مسئولیت، دلسوزی و بخشندگی دارند. هوش اخلاقی اعتقاد عمیق فرد و ارزش‌های او است که تمامی افکار و فعالیت‌ها را هدایت می‌کند و فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی مشروط به عوامل جمعیت‌شناختی چون جنسیت، نژاد، ملیت یا فعالیت مذهبی نیست. هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به‌صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شویم؛ بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم؛ یادگیری برای خوب بودن، شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست (لنیک و کیل، ۲۰۱۱). بنابراین افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را درست انجام می‌دهند، اعمال آن‌ها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد تحصیلی بالای دارند، رضایت زندگی در آن‌ها بیشتر است، نسبت به هم نوع خود حس همدلی و نوع‌دوستی دارند و خلاقیت آن‌ها افزایش پیدا می‌کند؛ در نهایت با در نظر گرفتن ابعاد مختلف و گسترده دلایل و انگیزه‌های افراد برای همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی آن‌ها و پرداختن به امور خیریه، با نگاهی جدیدتر و با کمک گرفتن از نظریه‌های معاصر روان‌شناسی، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا ابعاد هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی می‌توانند رضایت از زندگی و باور به جهان عادل را در افراد پیش‌بینی کنند؟

### روش پژوهش

طرح تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از زنان و مردان ۱۸ سال به بالای در حال فعالیت در برنامه‌ها و فعالیت‌های مؤسسات خیریه شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بودند. روش نمونه‌برداری در این پژوهش، از نوع غیر تصادفی در دسترس است و با استناد به نظریه کلاین (۲۰۱۱) به ازای هر خرده مقیاس پژوهش، ۱۵ نفر در نظر گرفته شد. در مجموع برای ۱۶ خرده مقیاس، تعداد ۲۴۰ نفر تعداد نمونه در نظر گرفته شد. پس از برآورد حجم نمونه با مراجعه به برنامه‌ها و فعالیت‌های مؤسسات خیریه در شهر تهران و با توجه به اصول اخلاقی (اصل رازداری نتایج) اقدام به جلب رضایت داوطلبان جهت همکاری در این طرح شد و از بین شرکت‌کنندگان در برنامه‌ها و فعالیت‌های خیریه درخواست شد به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند.

## ابزارهای پژوهش

پرسشنامه هوش اخلاقی: که از چهار مقیاس اصلی درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش استفاده شد (لنیک و کیل، ۲۰۰۸). این پرسشنامه توسط بهرامی، اصمی، فاتح پناه، دهقانی تفتی و احمدی تهرانی (۱۳۹۱) اعتباریابی و هنجاریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ خرده مقیاس بسته-پاسخ است. پرسشنامه این پرسشنامه دارای ۴۰ خرده مقیاس در ۴ مقیاس اصلی و ۱۰ خرده مقیاس جداگانه است و دارای طیف پنج گزینه‌ای از «هرگز» تا «در همه مواقع» است. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه هوش اخلاقی، چهار مقیاس مورد نظر را به دست آورد که در آن ۶۸٪ واریانس سؤال‌ها استخراج شده بود. آزمون  $KMO=0.76$  و بارتلت نشان داد که حجم نمونه کافی است و این عوامل در جامعه آماری وجود دارد [۱۶]. نتایج بارهای عاملی بالاتر از ۰.۳ چرخش متعامد، چهار مقیاس مورد نظر را به دست آورد. آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱).

**مقیاس همدلی:** این مقیاس توسط جولیفی و فارینگتون (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه بهره همدلی آزمودنی‌ها را می‌سنجد و دارای ۲۰ گویه است. گویه‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه بندی شده است. نمره دهی گویه‌های ۱، ۶، ۷، ۸، ۱۳، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس است و بیشترین نمره کسب شده توسط هر آزمودنی ۱۰۰ نمره کمترین نمره به دست آمده، ۲۰ نمره بود. رحیمی و یوسفی (۱۳۸۹) ضریب روایی برای این پرسشنامه را ۰/۹۴ و از طریق آلفای کرونباخ اعتبار آن را ۰/۸۹ برآورد کردند که حاکی از روایی و اعتبار مناسب این پرسشنامه است.

**پرسشنامه باور به جهان عادل:** پرسشنامه باور به جهان عادل توسط ساتون<sup>۱</sup> و داگلاس<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، دالبرت (۱۹۹۹) و دالبرت و دیگران (۲۰۰۱) بر اساس باورهای عمومی (عادلان بودن دنیا) و باورهای شخصی (عادلان بودن وقایعی که در زندگی فرد اتفاق می‌افتد) طراحی شده است. این پرسشنامه ابتدا توسط گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۶) به زبان فارسی ترجمه شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت نسخه فارسی پرسشنامه باور به جهان عادل ۲۷ سؤالی تهیه شد. دارای ۴ خرده مقیاس: (باور به جهان عادل برای خود)، (باور به جهان عادل برای دیگران)، (باور به جهان عادل عمومی) و (باور به جهان ناعادل) است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای است. در پژوهش گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۶) اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش آلفای

1. Sutton
2. Douglas

کرونباخ برای خرده مقیاس‌های (باور به جهان عادل برای خود) و (باور به جهان عادل برای دیگران) به ترتیب برابر با ۰/۷۲ و ۰/۸۴ به دست آمد. برای تعیین روایی، حاکی از روایی محتوایی و هم‌زمان پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) از طریق چرخش واریماکس مؤید وجود چهار عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک تحت عنوان (باور به جهان عادل برای خود)، (باور به جهان عادل برای دیگران)، (باور به جهان عادل عمومی) و (باور به جهان ناعادل) بوده است.

**پرسشنامه کیفیت رضایت و لذت از زندگی<sup>۱</sup> - فرم کوتاه:** پرسشنامه کیفیت رضایت و لذت از زندگی توسط اندیکت و دیگران، ۱۹۹۳ ساخته شده است که از ۱۴ خرده مقیاس تشکیل شده است که به منظور سنجش میزان رضایت و لذت از زندگی در ابعاد مختلف عملکرد روزمره در طول هفته گذشته به کار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است (تقریبی، شریفی، سوکی و تقریبی، ۱۳۹۱). در پژوهش تقریبی و همکاران (۱۳۹۱) ضریب همبستگی پیرون بین درصد حداکثر نمره این پرسشنامه و نمره ابزار SWLS، ۰/۷۱ بود که این همبستگی معنی‌دار است. ضریب پایایی در روش دو نیمه کردن با فرمول اسپیرمن-بروان و گاتمن نیز ۰/۹۶ گزارش شد. ضریب همبستگی هیچ‌یک از سؤالات با نمره کل کمتر از ۰/۳ نیست و ضریب همبستگی سؤالات ۸، ۲، ۵، ۶، ۱۱ و ۱۴ با کل مقیاس بیش از ۰/۷ است.

**پرسشنامه گرایش‌های مطلوب اجتماعی تجدیدنظر شده:** پرسشنامه گرایش‌های مطلوب اجتماعی تجدیدنظر شده توسط کارلو، هاوسمان، کریستیانسن و راندال (۲۰۰۳) ساخته شده است که به عنوان آزمونی برای ارزیابی گرایش‌های مطلوب اجتماعی از منظر صفات شخصیتی به کار می‌رود. فرم ۲۳ سؤالی این مقیاس اساساً برای ارزیابی خودگزارش‌دهی از ۶ نوع گرایش مطلوب اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تدوین گردید. گرایش‌های مطلوب اجتماعی تجدیدنظر شده از ۵ خرده مقیاس: گرایش‌های مطلوب اجتماعی ناشناس (گمنام) (۷ سؤال)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی نوع دوستانه و جمعی (۸ سؤال)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی هیجانی (۳ سؤال)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی در موقعیت بحرانی و اضطراری (۴ سؤال) و گرایش‌های مطلوب اجتماعی متابعت آمیز (۳ سؤال) تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه پنج‌درجه‌ای کاملاً مرا توصیف می‌کند = ۵ و اصلاً مرا توصیف نمی‌کند = ۱ است (کارلو و همکاران، ۲۰۰۳). ضرایب اعتبار بازآزمایی در پژوهش کارلو و همکاران در فاصله دو هفته برای گرایش‌های مطلوب اجتماعی جمعی (۴ سؤال، ۰/۵۶)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی ناشناس (گمنام) (۵ سؤال، ۰/۷۸)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی در موقعیت بحرانی

و اضطرابی (۳ سؤال، ۰/۶۳)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی هیجانی (۴ سؤال، ۰/۸۲)، گرایش‌های مطلوب اجتماعی متابعت‌آمیز (۲ سؤال، ۰/۷۳) و گرایش‌های مطلوب اجتماعی نوع‌دوستانه (۵ سؤال، ۰/۷۳) به دست آمد (کجباف، سجادیان و نوری، ۱۳۸۹).

### یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۱۴۱ نفر از شرکت‌کنندگان زن (۶۱،۳ درصد) و ۸۹ نفر مرد (۳۸،۷ درصد) بودند که میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان زن ۲۸/۵۸ (۰/۸۲) و میانگین و انحراف استاندارد سن مردان ۲۹/۱۰ (۰/۸۳) بود. ۲۴ نفر از شرکت‌کنندگان (۱۰،۴ درصد) دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم، ۱۴۸ نفر (۶۴،۳ درصد) دارای مدرک کاردانی، ۲۶ نفر (۱۱،۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۳۲ نفر (۱۴ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. ۱۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان (۴۸،۷ درصد) متأهل و ۱۱۱ نفر (۵۱،۳ درصد) مجرد بودند.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی	ضریب تحمل	تورم واریانس	دوربین واتسون	مقیاس
هوش اخلاقی	۱۵۲/۱۳	۱۶/۳۱	۰/۲۰	۰/۶۰	۰/۴۹	۱/۸۷	۱/۹۲	
درستکاری	۶۱/۸۶	۷/۵۹	-۰/۴۴	۰/۷۷	۰/۴۷	۱/۶۹		
مسئولیت‌پذیری	۴۵/۳۹	۵/۴۵	-۰/۳۷	-۰/۶۶	۰/۵۷	۱/۷۸	۱/۸۴	
دلسوزی	۱۵/۴۳	۲/۲۵	۰/۶۱	۱/۵۴	۰/۵۰	۱/۷۴		
بخشش	۲۹/۴۴	۴/۳	۱/۲۰	-۰/۳۹	۰/۴۴	۱/۳۹		
همدلی	۶۲/۴۲	۶/۳۰	-۰/۳۳	-۰/۶۶	۰/۵۷	۱/۶۸	۱/۷۳	
عاطفی-هیجانی	۳۱/۵۱	۳/۶۲	-۰/۲۸	۰/۵۷	۰/۵۸	۱/۹۰		
شناختی	۳۱/۰۳	۳/۹۵	۰/۵۰	-۰/۹۸	۰/۶۴	۱/۸۷	۱/۷۴	
گرایش‌های مطلوب اجتماعی	۸۴/۹۳	۱۰/۲۱	۰/۳۶	۱/۳۹	۰/۴۴	۱/۸۰	۱/۸۴	
ناشناس	۲۶/۱۶	۴/۸۰	-۰/۳۹	۰/۷۴	۰/۴۳	۱/۷۴		
نوع‌دوستانه و جمعی	۲۳/۴۰	۵/۲۲	۱/۱۸	-۰/۸۹	۰/۵۲	۱/۷۱		
هیجانی	۱۰/۴۲	۲/۳۲	-۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۵۰	۱/۸۸	۱/۷۷	



موقعیت بحرانی	۱۴/۷۸	۲/۷۳	۰/۴۴	-۰/۵۷	۰/۴۹	۱/۸۰
متابعت آمیز	۹/۹۰	۱/۹۲	-۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۳۶	۱/۷۹
باور به جهان عادل	۸۴/۰۰	۱۲/۳۴	۰/۷۸	-۱/۳۳	-	-
باور به جهان عادل برای خود	۲۷/۴۷	۵/۹۴	-۰/۷۷	۱/۴۸	-	-
باور به جهان عادل برای دیگران	۲۴/۷۸	۶/۷۱	۰/۹۳	۱/۵۸	-	-
باور به جهان عادل برای عموم	۲۴/۳۱	۷/۹۵	۱/۴۴	-۱/۹۲	-	-
باور به جهان ناعادل	۱۳/۳۵	۳/۳۸	-۰/۵۸	-۰/۳۶	-	-
رضایت از زندگی	۵۱/۷۷	۹/۷۸	-۰/۳۶	۱/۴۸	-	-

جدول فوق نشان می‌دهد که چولگی و کشیدگی بین  $\pm 2$  قرار دارند؛ بنابراین توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش طبیعی است. مقدار دوربین واتسون در فاصله مجاز  $1/5$  تا  $2/5$  قرار دارد؛ بنابراین مفروضه عدم وجود همبستگی بین خطاها تأیید می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نیز نشان داد از نبود همپوشی بین متغیرهای پیش‌بین دارد.

## جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین هوش اخلاقی، همدلی، گرایش مطلوب اجتماعی با رضایت از زندگی و باور به جهان عادل

متغیر	رضایت از زندگی	یاور به جهان عادل
	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
نمره کل هوش اخلاقی	۰/۱۶**	۰/۲۰**
بعد درستکاری	۰/۱۳*	۰/۱۲
بعد مسئولیت‌پذیری	۰/۲۰**	۰/۱۸**
بعد دلسوزی	۰/۲۸**	۰/۱۸**
بعد بخشش	۰/۲۶**	۰/۲۶**
نمره کل همدلی	۰/۱۵*	۰/۱۷**
بعد عاطفی-هیجانی	۰/۳۱**	۰/۲۶**
بعد شناختی	۰/۱۷**	۰/۱۲
نمره کل گرایش‌های مطلوب اجتماعی	۰/۲۴**	۰/۱۰
بعد گرایش‌های مطلوب اجتماعی ناشناس	۰/۲۰**	۰/۱۹**
بعد گرایش‌های مطلوب اجتماعی نوع‌دوستانه و	۰/۰۵	۰/۱۶*

جمعی		
بعد گرایش‌های مطلوب اجتماعی هیجانی	۰/۱۵*	۰/۱۵*
بعد گرایش‌های مطلوب اجتماعی در موقعیت بحرانی	۰/۲۲**	۰/۱۴*
بعد گرایش‌های مطلوب اجتماعی متابعت آمیز	۰/۲۰**	۰/۲۰**

\*\*P<۰/۰۱ \*P<۰/۰۵

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین باور به جهان عادل و رضایت از زندگی با هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین باور به جهان عادل با ابعاد هوش اخلاقی (بعد مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش‌های مطلوب اجتماعی به دست آمد ولی بین باور به جهان عادل با ابعاد همدلی رابطه‌ای به دست نیامد. همچنین بین رضایت از زندگی و ابعاد هوش اخلاقی (بعد درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش‌های مطلوب اجتماعی و ابعاد همدلی (بعد عاطفی-هیجانی و بعد شناختی) رابطه معناداری به دست آمد.

جدول ۳. خلاصه ضرایب رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی باور به جهان عادل و رضایت از زندگی بر مبنای هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی

Sig	T	Beta	B	Sig	F	R <sup>2</sup>	R	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
۰/۰۲	۲/۲۳	۰/۱۴	۰/۱۱						هوش اخلاقی
۰/۰۴	۱/۶۸	۰/۱۱	۰/۱۹					باور به جهان	همدلی
۰/۰۴	۱/۷۸	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۰۰	۶/۲۴	۰/۰۷۷	۰/۲۷۷	عادل	گرایش‌های مطلوب اجتماعی
۰/۰۴	۱/۵۲	۰/۱۰	۰/۰۶						هوش اخلاقی
۰/۰۵	۱/۵۰	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۰۰۰	۶/۶۰	۰/۰۸۱	۰/۲۸۴	رضایت از	همدلی
۰/۰۰۲	۲/۸۲	۰/۱۹	۰/۱۸					زندگی	گرایش‌های مطلوب اجتماعی

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که میزان R<sup>2</sup> در هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در باور به جهان عادل ۰/۰۷ و رضایت از زندگی ۰/۰۸ است که نشان می‌دهد به ترتیب ۷ و

۸ درصد تغییرات مربوط به باور به جهان عادل و رضایت از زندگی به متغیرهای پیش‌بین وابسته است. در ادامه نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که هوش اخلاقی با ضریب بتای ۰/۱۴، همدلی با ضریب بتای ۰/۱۱ و گرایش‌های مطلوب اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۲ توانستند باور به جهان عادل را پیش‌بینی کنند. همچنین نتایج جدول فوق نشان داد که هوش اخلاقی با ضریب بتای ۰/۱۰، همدلی با ضریب بتای ۰/۱۰ و گرایش‌های مطلوب اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۹ توانستند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدر این مطالعه نقش هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در پیش‌بینی رضایت از زندگی و باور به جهان عادل در مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های مؤسسات خیریه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج یافته‌های این پژوهش نشان دادند که بین باور به جهان عادل و رضایت از زندگی با هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین باور به جهان عادل با ابعاد هوش اخلاقی (بعد مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش‌های مطلوب اجتماعی به دست آمد ولی بین باور به جهان عادل با ابعاد همدلی رابطه‌ای به دست نیامد. همچنین بین رضایت از زندگی و ابعاد هوش اخلاقی (بعد درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش) و ابعاد گرایش‌های مطلوب اجتماعی و ابعاد همدلی (بعد عاطفی-هیجانی و بعد شناختی) رابطه معناداری به دست آمد. همچنین نتایج نشان داد که هوش اخلاقی، همدلی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی توانستند باور به جهان عادل و رضایت از زندگی را در شرکت‌کنندگان در برنامه مؤسسات خیریه پیش‌بینی کنند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش خالقی و چناری (۱۳۹۴)، گل پرور و همکاران (۱۳۹۲)، کجباف و همکاران (۱۳۸۹)، کارولی و ساگونه (۲۰۱۴)، بیگیو (۲۰۱۴)، وایمنز (۲۰۱۰) و پرینیل و گرمیگنی (۲۰۱۶) همسو بود.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد که هر جامعه‌ای را می‌توان اجتماع کم و بیش خودکفا و خودگردانی دانست که در آن روابط افراد، بر اساس اصول و قوانین مشخص و معینی صورت می‌گیرد. پیروی و اطاعت افراد از این قواعد، نوعی پیوند اجتماعی را بین آن‌ها فراهم می‌سازد؛ در نتیجه افراد برای پیشبرد منافع خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند با یکدیگر همکاری و تعامل می‌کنند؛ اما با وجود اینکه جامعه بر مبنای منافع همه افراد شکل گرفته است، ولی هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که بین اعضای آن تضادی وجود نداشته باشد. همکاری افراد جامعه با یکدیگر امکان آن را فراهم می‌سازد به منفعی دست پیدا کنند که دسترسی به این منافع برای هیچ یک از آن‌ها به تنهایی امکان‌پذیر نیست (کجباف و همکاران، ۱۳۸۹)؛ در نتیجه مجموعه‌ای از قواعد و

اصول لازم است تا بر اساس آن‌ها یکی از ترتیبات اجتماعی گوناگونی که چگونگی تقسیم امتیازات را تعیین می‌کند انتخاب شده و در مورد چگونگی توزیع مناسب سهم هر یک از افراد در جامعه، توافق وجود داشته باشد؛ که این اصول جهان عادل نام‌گذاری شده است؛ این اصول، روش تعیین حقوق و وظایف را در نهادهای اساسی جامعه تعیین کرده و چگونگی توزیع مناسب منافع و هزینه‌های همکاری اجتماعی را تعیین می‌کند. زمانی می‌توان گفت که جامعه از نظم ایده آلی برخوردار است که همه اعضای آن، اصول معینی از عدالت را پذیرفته باشند. در واقع وجود یک مفهوم مشترک از عدالت اجتماعی در بین افرادی که دارای اهداف و مقاصد مختلف هستند، موجب می‌شود تا پیوندهای دوستی و همدلی بین آن‌ها شکل بگیرد. اگر افراد جامعه، توزیع منابع و امتیازات را عادلانه ارزیابی کنند درک عدالت در میان آن‌ها بالا خواهد بود و جامعه از گرایش‌های مطلوب اجتماعی برخوردار خواهد گشت (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۲).

افزون بر آن، احساس مسئولیت به مثابه ساختاری اخلاقی، ناگهان و بی‌دلیل در انسان ظهور نمی‌کند بلکه از همدلی و احساس گناه که خیلی زودتر، در سال‌های نخستین زندگی به وجود می‌آیند، سرچشمه می‌گیرد (خالقی و چناری، ۱۳۹۴)؛ از این رو، احساس مسئولیت، پیش زمینه مهمی برای گرایش‌های مطلوب اجتماعی است و رشد هوش اخلاقی و توجه به همدلی با دیگران موجب افزایش و گسترش گرایش‌های مطلوب اجتماعی می‌شود (رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹). همچنین هوش اخلاقی همراه با مسئولیت اجتماعی رابطه مثبتی با گرایش‌های مطلوب اجتماعی داشته و عامل پیشگویی کننده مهمی در گرایش‌های مذکور است (بیرهوف، ۲۰۰۵). علاوه بر آن، همدلی با مسئولیت اجتماعی نیز مرتبط است؛ آمادگی برای ابراز همدلی تحت شرایط خاصی برانگیخته می‌شود که شخصی نیازمند کمک است و این عامل و علت بروز گرایش‌های مطلوب اجتماعی است؛ بنابراین بر اساس فرضیه همدلی-نوع دوستی، اگر کسی که شخص نیازمندی را می‌بیند، به شدت از خود آمادگی ابراز همدلی نشان دهد تحت تأثیر انگیزه نوع دوستی اقدام به کارهای نوع دوستانه می‌کند تا نیاز وی را برطرف سازد؛ بنابراین گرایش‌های مطلوب اجتماعی در تعارض با رفتارهای خودخواهانه بوده و به یک نظام رفتاری ارزش مدارانه مبتنی بر نوع دوستی استوار هستند (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۲). به اعتقاد لیم و پاتنام (۲۰۱۰) رابطه مثبت پذیرش اجتماعی با رضایت از زندگی به معنای آن است که رابطه مهمی بین خوشبختی شهروندان و سطح پذیرش گرایش‌های مطلوب اجتماعی و اعتماد آن‌ها به بخش‌های عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد؛ بنابراین باور به عادلانه بودن موجب کاهش حالت‌های هیجانی منفی و تجربه‌های هیجانی مثبت بیشتر می‌شود و در کل، در چنین باوری رضایت بالا از زندگی را در پی خواهد داشت.

رانا (۲۰۱۳) و پرینیل و گرمیگنی (۲۰۱۶) نشان دادند که ارتباط بین هوش اخلاقی و رضایت زندگی مثبت و معنی‌دار است؛ به این معنا که افرادی که هوش اخلاقی بالاتری دارند، از رضایت زندگی بیشتری برخوردار هستند، این افراد به پیروی از هنجارهای اجتماعی، مقررات و قانون‌ها، عرف و آداب‌ورسوم توجه می‌کنند؛ انجام رفتارهای منصفانه، همدلی، احترام، پذیرش دیگران و حقوق و مسئولیت‌ها از ویژگی‌های بارز آن‌ها است که مجموع این ویژگی‌ها موجب احساس رضایت درونی در فرد و در نهایت رضایت از زندگی می‌شود. مدیریت و تنظیم هیجان‌ها و رفتارهای خود، به طوری که در مقابل هرگونه فشار از درون و بیرون ایستادگی کنند؛ مهار وسوسه‌ها، همدل بودن، نپذیرفتن گزینه‌های غیراخلاقی از ویژگی‌های بارز افراد دارای هوش اخلاقی بالا است که این توانایی‌ها هم منجر به بروز گرایش‌های مطلوب اجتماعی و افزایش رضایت از زندگی در این افراد می‌شود. از یافته‌های دیگر این پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که رضایت از زندگی به ارزیابی کلی زندگی فرد اشاره دارد که دارای دو بعد شناختی و بعد عاطفی که خلق و هیجانات را در برمی‌گیرد و نشان‌دهنده‌ی ارزیابی‌های شخص از رویدادهایی است که در زندگی‌شان اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، باور به جهان عادل، افراد را قادر به مواجهه با محیط فیزیکی و اجتماعی‌شان می‌کند؛ به گونه‌ای که آن‌ها ثابت و منظم هستند. بدون داشتن این باور، افراد نمی‌توانند به سهولت خود را نسبت به دنبال کردن اهداف بلند مدت یا حتی رفتارهای تنظیم شده‌ی اجتماعی‌شان در زندگی روزمره متعهد سازند؛ بنابراین باور به عادلانه بودن موجب کاهش حالت‌های هیجانی منفی و تجربه‌های هیجانی مثبت بیشتر می‌شود و در کل، در چنین باوری رضایت بالا از زندگی را در پی خواهد داشت (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۲).

به طور کلی انجام رفتارهای منصفانه، همدلی، احترام، پذیرش دیگران و حقوق و مسئولیت‌ها از ویژگی‌های بارز افراد با هوش اخلاقی بالا و همدل است که مجموع این ویژگی‌ها موجب احساس رضایت درونی در فرد و در نهایت رضایت از زندگی می‌شود. این افراد قادرند مدیریت و تنظیم هیجان‌ها و رفتارهای خود بر عهده گیرند؛ به طوری که در مقابل هرگونه فشار از درون و بیرون ایستادگی می‌کنند؛ مهار وسوسه‌ها، همدل بودن، نپذیرفتن گزینه‌های غیراخلاقی از دیگر ویژگی‌های بارز این افراد است که این توانایی‌ها هم منجر به بروز گرایش‌های مطلوب اجتماعی و افزایش رضایت از زندگی در این افراد می‌شود.

### موازن اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ هم‌چنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد. این مقاله برگرفته از طرح پایان‌نامه کارشناسی

ارشد مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است؛ مجری طرح آقای شهریار وجدانی نویسنده اول مقاله و استاد راهنما سرکار خانم دکتر نسیم نوری می‌باشند که در فرایند اجرای طرح، استخراج نتایج و تدوین مقاله نظارت و همکاری داشتند.

### سپاسگزاری

بدین‌وسیله از مؤسسات خیریه تحت نظر شهرداری تهران و کلیه شرکت‌کنندگانی که انجام این تحقیق را میسر نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

### منابع

- احمدی، سیروس. (۱۳۸۸). بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۲): ۸۷-۱۰۸
- بهرامی، محمدامین؛ اصمی، مریم؛ فاتح‌پناه، آزاده؛ دهقانی تفتی، عارفه؛ احمدی تهرانی، غلامرضا. (۱۳۹۱). سطح هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۵(۶): ۸۱-۹۵
- تقریبی، زهرا؛ شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقریبی، لیلا. (۱۳۹۱). روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه کیفیت رضایت و لذت از زندگی. *مجله پایش*، ۱۱(۲): ۲۳۵-۲۴۴
- خالقی، نرگس. چناری، مهین. (۱۳۹۴). رابطه هوش اخلاقی با نوع‌دوستی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۰(۴): ۵۵-۶۴
- سجودی، عادل؛ معصومی راد، رضا؛ آوردیده، سولماز؛ عبدی، فرزین. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی دانشجویان پیام نور شفت). *رویش روان‌شناسی*، ۴(۳): ۱۹-۳۰
- رحیمی، مهدی؛ یوسفی، فریده. (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویشنداری فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۶(۲۴): ۴۳۳-۴۴۷
- کجباف، محمد؛ سجادیان، ایلناز؛ نوری، احمد. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸(۲): ۱۰۱-۱۱۸

گل پرور، محسن؛ برازنده، امین؛ جوادیان، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و باورهای جبران عدالت. *دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*, ۲۱(۱۰): ۷۴-

۶۱

عرب‌زاده، مهدی؛ نعیمی، قادر؛ پیرساقی فهیمه. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت از زندگی در دانشجویان بر

اساس سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی. *رویش روان‌شناسی*, ۶(۱): ۲۵-۴۴

نکویی مقدم، محمود؛ امیریوسفی، سعیده؛ قربانی بهابادی، زهرا؛ امیراسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۹۲). نقش

مؤسسات خیریه در نظام سلامت: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*, ۳(۱): ۱-۱۰

۱۰

## References

- Batson, C.D., Ahmad, N., Tsang, J. (2002). Four motives for community involvement. *Journal of Social Issues*. 58: 429-445.
- Begue, L. (2014). Do just-world believers practice private charity? *J. Appl. Soc. Psychol.* 44, 71-76.
- Bierhoff, H. W. (2005). *Prosocial Behaviour*. Psychology Press.
- Caroli, M., Sagone, E. (2014). Belief in a just world, prosocial behavior, and moral disengagement in adolescence. department of educational sciences, via Casa Nutrizione, 95-124 Catania, Italy
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randall, B. A. S(2003). ociocognitive and Behavioral Correlates of a Measure of Prosocial Tendencies for Adolescents *Psychology, Department of Faculty Publications, Department of Psychology*. <http://digitalcommons.unl.edu/psychfacpub>, 4:107-134.
- Carlo, G., & Randall, B. A. (2002). The development of a measure of prosocially behaviors for late adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 31: 31-44.
- Cerri J., Thøgersen J., Testa F. (2019). Social desirability and sustainable food research: A systematic literature review. *Food Quality and Preference*, 71(3): 136-149.
- Diener, E., & Chan, M. Y. (2011). Happy people live longer: Subjective well-being contributes to health and longevity. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 3, 1-43.
- Keyes, C. L., & Shapiro, A. D. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. *How healthy are we*, 3(1): 350-372.
- Lennick D, Kiel F. (2008). *Linking strong moral principles to business success*. Pennsylvania: whartone school of university of pennsylvania.
- Lennick D, Kiel F. (2011). *Moral intelligence: enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. New York: Prentice Hall.
- Lim, C., & Putnam, R. D. (2010). Religion, Social Networks, and Life Satisfaction. *American Sociological Review*, 75(6), 914-933
- Jolliffe D, & Farrington DP. (2006). Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggress Behav.* 32: 1-11

- Rana, JS. (2013). A study of mental health of adolescents in relation to moral judgment, intelligence and personality. Department of Education, Punjabi University
- Perinelli E., & Gremigni, P. (2016). Use of Social Desirability Scales in Clinical Psychology: A Systematic Review. *Journal of Clinical Psychology*, 72(6); 534-551.
- Silva, A.C., Pinto, A.F., Abreu, J., Couras, J., & Calçada, S. (2017). Social desirability in medical school admission: Differences between students from regular contingent and graduate admission: PS202. *Porto Biomedical Journal*, 2(5); 234-249.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41, 373-380.
- Weymans, V. (2010). Psychological predictors for prosocial behavior. A large-scale survey in Flanders. Masterproef voorgedragen tot het bekomen van de graad van Master. Ghent University, Belgium.
- Wright, T. A., & Cropanzano, R. (2007). The happy/productive worker thesis revisited. In J. Martocchio (Ed.), *Research in personnel and human resource management*, 30(1); 77-89.

